

در مدار حاکمیت جهانی سرمایه داری...

نوشته امیر حسن فرزانه

در شماره‌های ۷۰-۷۲ و ۷۶ همین ماهنامه مطالبی به قلم این نویسنده چاپ شد که در آنها با اشاره به ساختار جامعه، تکوین جوامع، تولد و تکامل دانش جامعه‌شناسی و ارتباط ساختاری علم، اخلاق، فرهنگ و اقتصاد کوشیدم ریشه‌های واقعی ناهنجاریهای بنیادینی را که بشریت معاصر از آنها رنج می‌کشد، پیش روی خوانندگان گرامی بگذارم. مطلب کوتاه زیر گرچه گفتاری مستقل محسوب می‌شود، اما از جهتی مکمل همان نوشتارها است. از باب رعایت احتیاط در این مورد که ممکن است گروهی از خوانندگان نوشته‌های پیشین را نخوانده باشند مطلب را با اشاره‌ای گذرا به تاریخچه تولد و تکوین علم الاجتماع آغاز می‌کنم.

●●●

در نیمه دوم قرن نوزدهم علم الاجتماع یا جامعه‌شناسی جان تازه‌ای گرفت و علم را فراراه خود ساخت. پایه گذار این جامعه‌شناسی که خودش نام *Sociology* بدان اطلاق کرد اگوست کنت فرانسوی (۱۸۵۷ - ۱۷۹۷) بود. او نخستین کسی بود که مدلل ساخت جامعه چون ارگانیسم ساختار یا آناتومی و سازمان یا فیزیولوژی دارد و از قوانین مشخصی پیروی می‌نماید و بر پایه این قوانین به حیات و تکامل خود ادامه می‌دهد. بدنیال او هربرت اسپنسر انگلیسی (۱۹۰۳ - ۱۸۲۰) به همان نتایج رسید و نظریات خود را انتشار داد. کاپیتالیزم بسرکردگی آمریکا قانونمندی جامعه را آنطور که کنت شرح داده بود با حاکمیت فایده

اقتصاد فردگرایین یا هر که هر که اقتصاد آزاد در دامن آن یگانه تازی می‌کرد سخت ناسازگار می‌دید و با جامعه‌شناسی از در مخالفت در آمد. اقتصاددانان سرمایه داری بوضوح اعلام کردند که اقتصاد برای خود استوار است و به جامعه‌شناسی نیازی ندارد. غرب هنگامی به جامعه‌شناسی روی آشتی نشان داد که میراث کنت و اسپنسر را مدفون کرده بود و زمینه را برای «ایده آلیز کردن» جامعه و چیزی غیر متدولوژیک بنام خرده جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناسی عملی *Micro - Eperieap Sociology* فراهم آورده بود. خرده جامعه‌شناسی وحدت و جامعیت و قانونمندی کل اجتماعی *Social Whole* را نفی می‌کند و به جامعه‌شناسی گوناگون و مستقل از یکدیگر معتقد است. پس از جنگ جهانی دوم این جامعه‌شناسی مخصوصاً در آمریکا باب روز شد که شاید بیش از چهل نوع جامعه‌شناسی را در برگیرد. کاپیتالیزم با این نیرنگ تئوریک افکار عمومی را از توجه به کل قانونمند جامعه بازداشت و به جهانیان چنان القا کرد که راه و قانون پیشرفت در هر کشوری جز همان راه و قانون سرمایه داری نیست. این نیرنگ کار خود را کرد، علوم اجتماعی موافق با احکام و مفاهیم سرمایه داری ساخته و پرداخته شد و نظام سازمانهای بین‌المللی بقید سیاستهای کاپیتالیزم درآمد و استراتژیهای پیشرفت در ممالک در حال پیشرفت همان رنگ و بو را گرفت که مورد توقع حاکمیت جهانی کاپیتالیزم بود. حال اگر استراتژی و الگوی پیشرفت را نه بر مبنای قانونمندی و قوانین معتبر جامعه یعنی ارتباطات و ساختار سازگار کل

اجتماعی، بل بر اساس مفاهیم و سازمان ایده نولوژیک بسازیم خواه ناخواه تمایلات و علایق خود را بجای واقعیات وارد محاسبه خواهیم کرد و در نتیجه بخشی از جامعه مثل اقتصاد و تکنولوژی بقیمت عقب ماندگی سایر بخشها پیشرفت خواهد کرد و پیشرفت جامعه ناموزون و یک جانبه خواهد شد.

متأسفانه این قانون پیشرفت سرمایه داری است که برغم دعوی استقلال طلبانه بعضی کشورها با این همه تمام کشورها از آن نمونه پیروی می‌نمایند. سرمایه داری کشور یعنی جولانگاه علایق خود را اساس مطالعه قرار می‌دهد و نه جامعه قانونمند زنده را. تفاوت این دو وجه در آنست که در اولی ملاک ارتباطات و اندازه‌ها و سنجش‌ها و ایده‌ها و بستن آنها بر تمایلات و خواسته‌های فردی سرمایه داری مبتنی است و در دومی بدور از حب و بسفرض و علایق فردی و طبقاتی و ایده نولوژیک، بر اصول متدولوژیک ساختار و سازمان متعاون جامعه، و نکته این که جامعه‌ای که به وظایف اساسی و متدولوژیک خود بپردازد همیشه مستعد پیشرفت است. جهان مطلب همین جاست: اگر وظایف اساسی و متدولوژیک جامعه را بماند یک مجموعه زنده به حیطه بررسی در آوریم و اجراء و ارتباطات آنها را تحلیل نماییم و نقایص ساختاری و سازمانی آن را بر طرف کنیم و سپس ترکیبی از این آناتومی و فیزیولوژی جامعه بسازیم این جامعه بوظایف خود خواهد پرداخت و همچون ارگانیسم مسیر پیشرفت را طی خواهد نمود. حال توجه کنیم که تفاوت بین دو وجه مذکور بسیار زیاد است. در وجه اول کشور عین جامعه نیست چون کاپیتالیزم بدون توجه بقوانین کل اجتماع

شرکت منابع شیمیایی

سم سازان

تنها هلاک، هلاک می‌کند



کشد کننده سموم و حشره کشهای خانگی،

مستقیم و بهداشتی، عمومی با نام تجارتنی هلاک

جربیه، تحقیق و تخصص

• بودر حشره کش خانگی هلاک

• بیدکش هلاک

• مایع فاضلاب هلاک

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹-۸۷۵۹۳۴۷ ■ فاکس: ۸۷۴۶۸۸۱ ■ تلفن کارخانه و آزمایشگاهها: ۷۳۹۹، ۶۵۰۳، ۲۰۶۴ (۰۳۴۳۱)

اقتصادی

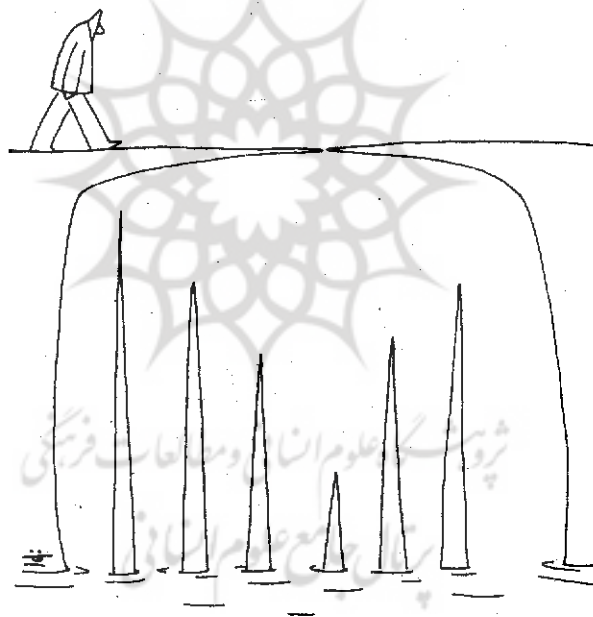
صرفاً بر اساس منافع خود کشور را به حیطة حاکمیت فایده اقتصاد درمی آورد و بر آن حکم می راند و در نتیجه علم و تکنولوژی را با فساد و تباهی ملازم می سازد و جامعه را بی اندام می کند و در وجه دوم جامعه و کشور یک تن و واحد و سازگار می گردند چون پیشرفت کشور بر مبنای قوانین کل اجتماعی صورت می پذیرد که تناقض را در آن راهی نیست. نه آنکه تصور رود کاپیتالیسم بدردهای ارگانیک خود ناآشناست و نمی داند اقتصاد و جامعه شناسی

کاپیتالیسم بهمان اندازه که به پیشرفت ناموزون کشورها علاقه نشان می دهد، با پیشرفت سازگار و موزون جوامع عناد می ورزد.

کاپیتالیستی پا در هواست، خیر، میزان و راهنما و معشوق او تشدید رقابت و معاملات قماری و ثروت است و جز این راه و جهت دیگری نمی شناسد. مجله فورچون بسیار بجا و خوب لب مطلب را نقل کرده که Net worth is the self worth ثروت هر کس مبین اعتبار اوست، و شیخ اجل با اندک تفاوتی در همین معنی فرموده «آن را که زور در بازوست زر در ترازوست». کاپیتالیسم برای درمان مشکلاتی که خود بوجود آورده دست به شگرد تازه ای زده است. او امروز با استفاده از تکنولوژی بسیار پیشرفته اطلاعات Information technology سیاست جهانی کردن اقتصاد یا تسخیر بازارهای گسترده تازه را (چه بازارهای روسیه و چین و هندوستان و چه بازارهای ممالک عقب مانده تر) وجه همت کرده است. این سیاست یا استراتژی تسجاولگر با استفاده از عقب ماندگی و گرفتاریهای مزمین ممالک خارج از حوزه ممالک مترویل شرط اصلی سرمایه گذاری خارجی را اجرای تام و تمام مقررات سازمان جهانی تجارت WITO یعنی باز شدن دروازه های مالی و گمرکی و خدماتی و توزیع ممالک سرمایه پذیر نموده است. چین را بگیریم که چند سال است برای ورود به این سازمان کاپیتالیستی درخواستهای مکرر کرده و هنوز راهش ننداده اند. ایجاد چنان

ارتباطی بین ممالک پیشرفته صنعتی و ممالک نیازمند و درمانده شباهت بسیاری به گروگانگیری اقتصادی ممالک اخیر الذکر دارد. این استراتژی که امروز بنام دروغین آزادی و پیشرفت اقتصادی و رعایت برابری حقوق ملل شهرت یافته و عملاً کشورهای ضعیف را دست نشانده کاپیتالیسم جهانی ساخته و یک دوجین سازمانهای بین المللی و از جمله ملل متحد هم اجرای

آنها توصیه کرده اند از جهاتی بی شباهت به فرضیه صدور تمدن و استعمار در دوران گذشته نیست. جامعه ملل سابق که ساخته و پرداخته دول استعماری



وقت بود نیز به استعمار و قیمومیت کشورها و ملل صّحه می گذارد. و برترین پرزرق و برق پیشرفت بیره های آسیای و ممالک دیگر واقع در حاشیه اقیانوس کبیر همگی از جمله گروگانهای اقتصادی سرمایه داری جهانی بشمار می آیند. نیت جهانی کاپیتالیسم اینست که همه کشورهای درمانده را درین و برترین مورد علاقه اش که تبلیغات فراوانی درباره اش براه انداخته

است جای دهد. پس باید بذهن سپرد و بظواهر امر خشنود نشد که کاپیتالیسم از باب حفظ حیات و منافع خود بهمان اندازه که به پیشرفت ناموزون کشور علاقه نشان می دهد با پیشرفت سازگار و موزون جامعه و با علم الاجتماع یا جامعه شناسی بمعنای متدولوژیک آن عناد می ورزد. طراحان استراتژی و الگوی پیشرفت (یا بقولی توسعه) در ممالک در حال پیشرفت و از جمله در کشور، باید باین نکته توجه کنند که تقلید از الگوی رشد و پیشرفت

کاپیتالیستی این کشورها را چه سرمایه پذیر باشند یا نباشند در مدار حاکمیت جهانی سرمایه داری که زمامش در اختیار محدودی کشورهای پیشرفته صنعتی است قمار می دهد و دردهای بیدرمان کاپیتالیسم را به آنها منتقل می سازد. مخصوصاً یادآور می شویم درین وابستگی جهانی آثار پس زینبار و کودهای مکزکرونیتی سرمایه داری گریبان ممالک بساز بسته (چه بازبستگی مستقیم و چه غیر مستقیم) را نیز بشدت می گیرد و گناه ناکرده ها را سخت عقوبت و پاداش تلخ می دهد. چنانکه می دانیم در دوره های رکود و بحران کاپیتالیست ها از حجم سرمایه گذاریها و تجارت و خدمات و تولید و اشتغال در کشورهای اصلی و سرمایه پذیر می کاهند. این تصمیمی است که برغم سرمایه گذاریهای عظیم بیرون مرزی تماماً در ممالک اصلی گرفته می شود و کشورهای منفعل سرمایه پذیر جز تسلیم چاره ای در قبال آن تصمیم ها ندارند.

تصور می رود با توضیحاتی که بعرض رسید روشن شده باشد که از چه راه باید مسأله استراتژی و ساخت الگوی پیشرفت را حل کرد و به نتیجه مطلوب رسید. در پایان معترض این نکته می شویم که کاپیتالیسم هنوز از پتانسیل مادی و علمی نیرومندی برخوردار است برغم مشکلات مزمین و رو به افزایش خود مدتها می تواند بطور انگلی و بحساب استثمار کشورهای عقب افتاده و ناتوان بحیات خود ادامه دهد ولی آنرا هم پایانی است و این حکم گریزناپذیر تاریخ است؛ حکمی که نظامهای کهنه پیشین را نیز از صحنه تاریخ بیرون کرد.